

بسمه تعالی

چگونه يك مقاله علمي بنویسیم؟

(اصول مقاله نویسی)

## 1. مقدمه

مقاله علمي معمولاً در نتيجه پژوهش منطقي، ژرف و متمرکز نظري، عملي يا مختلط، به كوشش يك يا چند نفر در يك موضوع تازه و با رويكردي جديد با جهت دستيابي به نتايجي تازه، تهيه و منتشر مي‌گردد. (اعتماد و همكاران، 1381، ص2) چنين مقاله‌اي در واقع گزارشي است كه محقق از يافته‌هاي علمي و نتايج اقدامات پژوهشي خود براي استفاده ساير پژوهشگران، متخصصان و علاقمندان به دست مي‌دهد.

تهيه گزارش از نتايج مطالعات و پژوهش‌هاي انجام شده، يكي از مهم‌ترين مراحل پژوهشگري به شمار مي‌رود؛ زيرا اگر پژوهشگر نتواند دستاوردهاي علمي خود را در اختيار ساير محققان قرار دهد، پژوهش او هر اندازه هم كه مهم باشد، به پيشرفت علم كمكي نخواهد كرد؛ چون رشد و گسترش هر عملي از طريق ارائه و به هم پيوستن دانش فراهم آمده از سوي فرد فرد انديشمندان آن علم تحقق مي‌يابد.

همان طور كه پژوهشگر پيش از اقدام به پژوهش، نيازمند توجه و بررسي يافته‌هاي علمي پژوهشگران قبل از خود است تا بتواند يافته‌هاي علمي خود را گسترش بخشد، ديگران نيز بايد بتوانند به يافته‌هاي پژوهشي او دسترسي پيدا كنند و با استفاده از آنها فعاليت‌هاي علمي خود را سازمان داده، در ترميم و تكميل آن بكوشند.

از امتيازهاي مهم يك مقاله مي‌توان به مختصر و مفيد بودن، بروز بودن و جامع بودن آن اشاره كرد؛ زيرا محقق مي‌تواند حاصل چندين ساله پژوهش خود در يك رساله، پايان‌نامه، پژوهش، يا حتي يك كتاب را به اختصار در يك مقاله علمي بيان كند تا پژوهشگران ديگر بتوانند با مطالعه آن مقاله از كليات آن آگاهي يابند و در صورت نياز بيشتر به اصل آن تحقيقات مراجعه كنند.

بدين منظور، امروزه نشریات گوناگوني در زمينه‌هاي مختلف علمي- پژوهشي نشر مي‌يابد و مقاله‌هاي به چاپ رسیده در آنها، اطلاعات فراواني را در اختيار دانش پژوهان قرار مي‌دهند. لازم است محققان با شيوه تدوين مقالات علمي آشنا باشند تا بتوانند با استفاده از شيوه‌هاي صحيح، با سهولت، نتايج تحقيقات و مطالعات خود را به صورت مقاله در اختيار علاقه مندان قرار دهند.

نوشتن مقاله مستلزم رعايت اصولي در ابعاد مختلف محتوايي، ساختاري و نگارشي است.

## 2. ملاك هاي محتوايي مقاله

يكي از مهم‌ترين ابعاد مقاله علمي، محتواي علمي و ارزشمندي ِ كفي آن است. مقاله بايد يافته‌هاي مهمي را در دانش بشر گزارش نمايد و داراي پيامي آشكار باشد؛ بنابراین پيش از تهيه مقاله، محقق بايد از خود بپرسد كه آيا مطالب او آن‌قدر مهم است كه انتشار آن قابل توجه باشد. آيا ديگران از آن بهره خواهند برد؟ و آيا نتايج پژوهش او

كار آنها را تحت تأثير قرار خواهد داد؟ (هومن، 1378، ص 82).

در اینجا به چندین اصل مهم از اصول و معیارهای محتوایی پژوهش علمی اشاره می‌گردد که توجه به آنها قبل از تهیه مقاله به ارتقای کیفیت آن کمک می‌نماید.

الف) فرایند «تفکر»: تفکر، تلاش برای معلوم کردن مجهول با استفاده از علوم موجود است. (غرویان، 1368، ص 11) بنابراین اساسی‌ترین محور محتوایی يك پژوهش علمی، آن است که مجهول را روشن نماید. بر این اساس، هر پژوهش علمی در پی پاسخ دادن به پرسش‌هایی است که تاکنون برای مخاطبان کشف نشده است. از این رو پژوهش علمی همیشه با طرح يك یا چند سؤال آغاز می‌شود که محقق در صدد پاسخگویی به آنهاست.

ب) منطقی بودن: منطقی بودن که راه درست اندیشیدن (تصور) و صحیح استدلال آوردن (تصدیق) را می‌آموزاند، (مطهری، 1372، ص 21) ابزار ضروری يك مقاله علمی است و محقق باید شایستگی لازم را در استدلال آوردن، تحلیل محتوا و نتیجه‌گیری داشته باشد. قواعد تعریف، طبقه‌بندی، استنباط‌های قیاسی و استقرایی، روش‌های مختلف نمونه‌برداری و غیره همه از ویژگی‌های منطقی يك مقاله علمی است که محقق باید به آنها توجه داشته باشد (هومن، 1374، ص 19).

ج) انسجام و نظام‌دار بودن: مرتبط بودن اجزای مختلف مقاله با همدیگر، همچنین متناسب بودن آنها با عنوان مقاله و ارتباط عناوین فرعی با همدیگر، از جمله مواردی است که به تحقیق، یکپارچگی و انسجام می‌بخشد. بر این اساس، محقق باید عناوین فرعی مقاله خود را با نظامی منطقی از یکدیگر مجزا کرده، ارتباط بخش‌ها را مشخص نماید.

د) تراکمی بودن: از آنجا که هدف پژوهش پاسخ به سؤال‌هایی است که تا آن زمان دست کم از نظر محقق، پاسخی منطقی برای آن وجود نداشته است، هر پژوهش علمی باید از يك سو به منظور کشف دانش جدید، و از سوی دیگر، برای تکمیل دانش، صورت پذیرد. بنابراین هدف اصلی يك مقاله، کشف یا تکمیل دانش بشری است، نه تکرار دوباره آن با عبارات مختلف. (هومن، 1374، ص 20).

ر) تناسب موضوع با نیازهای فعلی جامعه علمی: هر پژوهش علمی باید نیازهای اساسی جامعه علمی خود را در نظر گرفته، در صدد حل آن مسایل برآید؛ بنابراین از طرح موضوعاتی که از اولویت تحقیقی برخوردار نیستند و جامعه علمی، بدانها نیاز ندارد، باید احتراز نمود.

س) خلاقیت و نوآوری: هر تحقیق علمی زمانی می‌تواند در ارتقای سطح دانش، موفق و موثر باشد که از فکری بدیع و خلاق برخوردار باشد. مقالاتی که به جمع آوری صرف بسنده می‌کنند، نمی‌توانند سهم عمده‌ای در پیشرفت دانش بشری داشته باشند.

ص) توضیح مطلب در حاکم ضرورت: از جمله مواردی که محقق در گزارش نویسی پژوهش خود (مقاله) باید بدان توجه کند، پرهیز از حاشیه‌روی و زیاده‌گویی<sup>۱</sup> افراطی است؛ همچنان که خلاصه‌گویی نباید به حاکم باشد که به ابهام و ابهام منجر شود؛ بر این اساس محقق باید به حاکم مطالب را تبیین کند که مقصود وی برای خواننده، روشن شود.

ط) متناسب بودن با نظريه‌ها: هر رشته علمي، متشکل از نظريه‌ها و قوانيني است که مورد اتفاق صاحب‌نظران آن فن است؛ از آنجا که تحقيقات علمي در اين پژوهشگاه در حيطه مشترک علوم انساني- اسلامي است، يافته‌هاي به دست آمده در تحقيقات ميداني يا توصيفي نبايد با اصول مباني ديني و همچنين با قوانين کلي آن رشته تخصصي منافات داشته باشد.

ع) اجتناب از کلي گويي: هدف نهايي علم، صورتبندی يك «نظريه» و «تبيين کردن» يکي از اصول مهم نظريه است. (دلور، 1371، ص 33) از اين رو محقق بايد بتواند مباحث علمي خود را به روشني توضيح دهد و با زبان گويا آن را تبیین و از کلي گويي اجتناب نمايد.

ف) گزارش روش‌شناسي تحقيق: «تحقيق» فرایندی است که از طريق آن مي‌توان درباره ناشناخته‌ها به جست و جو پرداخت و از آن، شناخت لازم را کسب کرد. در اين فرایند چگونگي گردآوری شواهد و تبديل آنها به يافته‌ها «روش‌شناسي» ناميده مي‌شود. اين سؤال که چگونه داده‌ها بايد گردآوری شود و مورد تفسير قرار گيرد، به طوري که ابهام حاصل از آنها به حداقل ممکن کاهش يابد؟» از موارد مهم تحقيق علمي است. (سرمد و همکاران، 1379، ص 22). يك تحقيق علمي زماني مي‌تواند مطالب خود را به اثبات برساند که از روش گردآوری مناسبی برخوردار، و آن روشها در مقاله به خوبي بيان شده باشد.

### 3. ساختار مقاله علمي

نوشتن مقاله مستلزم داشتن طرحي مدون است. در گزارش يك تحقيق نه تنها بايد ارزش‌هاي محتوایی را مراعات کرد، بلکه بايد از ساختار روشمندی نیز پيروي کرد. امروزه تحقيقات فراواني انجام مي‌شود، اما تنها بخش کوچکی از آنها در مقالات منتشر مي‌گردد. يکي از دلایل آن، عدم مهارت محقق در تهيه و تدوين ساختاري مقاله علمي است.

ساختار مقاله و تهيه گزارش از يك پژوهش علمي، با توجه به روش به کار گرفته شده در پژوهش، متفاوت است. دانشمندان در يك تقسيم بندي کلي، روش‌هاي استفاده شده در علوم را به دو دسته تقسيم مي‌کنند. روش‌هاي کمي که در آنها از داده‌هاي کلي در تحقيق استفاده مي‌شود (تحقيقات ميداني) و روش‌هاي کيفي که در آنها از داده‌هاي کيفي (تحقيقات کتابخانه‌اي) استفاده مي‌شود. (سرمد و همکاران، 1379، ص 78).

مراحل گزارش يك پژوهش (مقاله) با توجه به روش اتخاذ شده در تحقيق، با تفاوت هايي بيان مي‌گردد. به دليل يکسان بودن هر دو روش در مراحل مقدماتي، و براي پرهيز از تکرار در اينجا مراحل مقدماتي را به صورت مجزا مي‌آوريم.

#### 3.1.1. مراحل مقدماتي گزارش پژوهشي

##### 3.1.1.1. موضوع يا عنوان مقاله

عنوان، مفهوم اصلي مقاله را نشان مي‌دهد و بايد به طور خلاصه، مضمون اصلي پژوهش را نشان دهد. عنوان مقاله بايد جذاب باشد، يعني به گونه‌اي انتخاب شود که نظر خوانندگان را که معمولاً ابتدا فهرست عناوين مندرج در يك مجله علمي را مي‌خوانند به خود جلب نمايد. همچنين عنوان بايد کوتاه و گویا و تنها بيانگر متغيرهاي اصلي پژوهش

باشد. تعداد کلمات در عنوان را حداکثر دوازده واژه بيان کرده‌اند. (سيف، 1375، ص 12).

### 3.1.2. نام مؤلف يا مؤلفان و سازمان وابسته

بعد از عنوان پژوهش، نام مؤلف يا مؤلفان ذکر مي‌شود و در سطر زير آن، نام دانشگاه يا مؤسسه که هر يك از مؤلفان در آن مشغول به کارند، مي‌آيد. اگر پژوهش به وسيله دو يا چند نفر انجام بگيرد و همه آنها به يك دانشگاه يا مؤسسه وابسته باشند، نام مؤسسه يك‌بار، آن هم به دنبال نام مؤلفان ذکر مي‌شود. اما اگر هر يك از مؤلفان به سازمان خاصي وابسته باشند، بايد بعد از نام هر يك از آنان، بلافاصله نام مؤسسه‌اي که به آن وابسته‌اند، ذکر شود. ترتيب قرار گرفتن نام مؤلفان به دنبال يکديگر، معمولاً متناسب با ميزان مشارکت آنان در انجام پژوهش است؛ اما اگر ميزان مشارکت همه افراد در اجراي پژوهش يکسان باشد، اسامي آنان به ترتيب حروف الفبا در دنبال هم قرار مي‌گيرد. (هومن، 1387، ص 84).

### 3.1.3. چکيده

چکيده، خلاصه جامعي از محتوای يك گزارش پژوهشي است که همه مراحل و اجراي اصلي پژوهش را در خود دارد. هدفها، پرسشها، روشها، یافته‌ها و نتایج پژوهش، به اختصار، در چکيده آورده مي‌شود. در متن چکيده بايد از ذکر هرگونه توضیح اضافي خودداري شود. مطالب چکيده بايد فقط به صورت گزارش (بدون ارزشيابي و نقد) از زبان خود پژوهشگر (نه نقل قول) به صورت فعل ماضي تهيه مي‌شود. چکيده در حقيقت بخشي کامل، جامع و مستقل از اصل گزارش در نظر گرفته مي‌شود و نبايد پيش از انجام گزارش پژوهش تهيه شود. طول چکيده براي مقاله، بستگي به

روشهاي خاص هر مجله دارد و معمولاً بين صد تا صد و پنجاه کلمه پيشنهاد شده است.

### 3.1.4. واژگان کلیدی

معمولاً در انتهاي چکيده، واژگان کلیدی پژوهش را بيان مي‌کنند تا به خواننده کمک کنند، پس از خواندن چکيده و آشنايي اجمالي با روند تحقيق، بفهمد چه مفاهيم و موضوعاتي در اين مقاله مورد توجه قرار گرفته است. معمولاً با

توجه به حجم و محتوای مقاله، پنج تا هفت واژه کلیدی در هر مقاله بيان مي‌شود. (سرمد، 1379، ص 321).

## 3.2. ساختار مقاله مبتني بر پژوهش ميداني

روش‌ها و اصول كلي ناظر بر گزارش فعاليت پژوهشي شاخه‌هاي علوم، تقريبا به طور خاصي به كار مي‌روند كه همگي متكي بر «روش علمي» است. انجمن روان شناسان (APA) به منظور تسهيل در امر انتقال روش نتايج پژوهش،

الگوي استاندارد شده‌اي را در اختيار مؤلفان قرار داده تا در موقع تهيه گزارش پژوهشي خود، آن اصول را به كار گيرند و تقريباً همه مجله‌هاي معتبر علوم انساني در تهيه و تنظيم نوشته‌هاي پژوهش خود از آنها پيروي مي‌کنند. (هومن، 1387، ص 10) که در زير به اختصار به مراحل آن اشاره مي‌گردد.

### 3.2.1. مقدمه

هر مقاله علمي با يك مقدمه شروع ميشود و آن، خلاصه‌اي از فصل اول و دوم پايان نامه‌ها و رساله‌هاست که به طور مختصر به بيان کليات تحقيق و بررسي مختصري از پيشينه آن مي‌پردازد؛ بنابراین در مقدمه مقاله، مسئله تحقيق و ضرورت انجام آن و اهداف آن از نظر بنيادي و کاربردي به صورت مختصر بيان مي‌گردد و سپس به بررسي سوابق پژوهشي که به طور مستقيم به موضوع تحقيق مرتبط است، پرداخته ميشود. مقدمه بايد يك منطق اساسي را در تحقيق بيان کند و به خواننده نشان دهد که چرا اين تحقيق ادامه منطقي گزارش‌هاي پيشين است. در اين بخش پس از نتيجه‌گيري از پژوهش‌هاي بررسي شده، محقق بايد پرسش‌هاي پژوهش خود را به صورت استفهامي بيان کرده و به تعريف متغيرهاي تحقيق به صورت عملياتي بپردازد. (هومن، 1378، ص 87).

### 3.2.2. روش

هدف اساسي از بيان روش آن است که به گونه‌اي دقيق، چگونگي انجام پژوهش، گزارش گردد تا خواننده بتواند آن را تکرار نمايد و همچنين درباره اعتبار نتايج داوري کند؛ بنابراین مؤلف بايد همه مراحل اجرا، از جمله آزمودني‌ها، ابزارهاي پژوهش، طرح پژوهش، روش اجرا و روش تحليل داده‌ها را بيان کند.

الف) آزمودني‌ها: جامعه مورد مطالعه و ويژگي‌ها و مشخصات آن از نظر تعداد، سن، جنسيت، ميزان تحصيلات و... همچنين چگونگي انتخاب آنها و در صورت گروه‌بندي شدن تعداد گروه‌ها و مقدار افراد هر گروه بيان ميشود.

ب) ابزارها: ابزارهاي آزمائش، مثل پرسشنامه، تست و... پس از آن بيان مي‌گردد. چنانچه ابزار سنجش، يك وسيله مشهور و استاندارد شده باشد، اشاره به نام آن كافي است، اما اگر يك مقياس خودساخته باشد، بايد چگونگي طراحي و تهيه آن و شواهد مربوط به اعتبار و روايي بودن آن گزارش شود.

ج) طرح پژوهش: به نقشه كار پژوهشگر براي حل مسئله پژوهش، طرح گفته ميشود. ابتدا متغيرهاي مستقل، وابسته و تعديل کننده و... بيان ميشود، سپس طرح‌هاي پژوهشي، مثل طرح تك آزمودني پيش‌تست- پس‌تست، تحليل واريانس علمي و... ، که در روش به كار گرفته شده، بيان مي‌گردد. همچنين تکنیک‌هاي کنترل متغيرهاي نامربوط و ناخواسته، مانند تصادفي ساختن، هم‌تاسازي و غيره مورد توجه قرار مي‌گيرد.

د) شيوه اجرا: در اين قسمت همه مراحل که آزمودني و آزماینده در طول مطالعه انجام داده‌اند، به صورت گام به گام تشریح مي‌گردد. گردآوری داده‌ها، دستورالعمل‌هاي اجراي پژوهش، چگونگي تشکيل گروه‌هاي آزمائشي و کنترل،

چگونگي اجراي آزمايش و شيوه ثبت پاسخها و امثال آن، به طور خلاصه و دقيق توضيح داده ميشود.

ر) تحليل دادهها: در اين قسمت چگونگي طبقه‌بندي، مرتب کردن، خلاصه‌کردن و تحليل کردن دادهها بيان ميشود؛ همچنين روشهاي آماري توصيفي به کار گرفته شده مثل فراوانيها، درصدها، نمودارها، مقادير مركزي و پراكنديگي؛ و روشهاي آماري استنباطي، مثل اجراي آزمون  $t$ ،  $z$  يا  $f$ ، استفاده شده در تحقيق بيان مي‌گردد. (هومن، 1378، ص 87-89).

### 3.2.3. نتايج

در اين بخش، توصيف كلامي مختصر و مفيدي از آنچه به دست آمده‌است، ارائه ميشود. اين توصيف كلامي با اطلاعات آماري مورد استفاده، كامل ميشود و بهترين روش آن است كه دادهها از طريق شكل و نمودار يا جدول، نمايش داده شوند. ساختار بخش نتايج، معمولاً مبتني بر ترتيب منطقي پرسشها يا فرضيهها و نيز وابسته به تأييد شده بودن يا تأييد نشده بودن فرضيههاست. ترتيب بيان نتايج نيز يا برحسب ترتيب تنظيم سؤالها يا فرضيههاي آنهاست، (سيف، 1375، ص 30) يا برحسب اهميت آنها. روش متداول بيان نتايج، آن است كه ابتدا مهم‌ترين و

جالب‌ترين يافتهها و سپس به ترتيب، يافتههاي كم اهميت‌تر ارائه ميشود. (هومن، 1378، ص 90).

### 3.2.4. بحث و تفسير

در اين بخش، تمام اجزاي گزارش تحقيق به هم ربط داده ميشوند و محقق با تركيب و پيوند بخشهاي مختلف، خواننده را به سوي يك نتيجه‌گيري كلي هدايت مي‌كند. بنا بر اين لازم است شباهتها و تفاوتهاي نتايج اين پژوهش با پژوهشهاي قبلي روشن گردد و نيز معلوم شود كه يافتههاي پژوهش، به روشن شدن مسئله مورد بررسي و زمينه دانش آن چه كمكي كرده است.

بنا بر اين توصيه ميشود در اين بخش، ضمن توضيح كوتاهي درباره مسئله پژوهش و بيان نتايج تحقيق، به تفسير نتايج پرداخت. براي اين كار بايد اين نتايج را با يافتههاي نتايج پيشين مقايسه كرد. آن‌گاه توضيح داد كه پژوهش حاضر، به گسترش دانش زمينه مورد نظر چه كمكي كرده است، و در ضمن آن، کاربرد احتمالي آن را مشخص كرد و نقاط ضعف پژوهش را همراه با پيشنهادهايي براي پژوهشگراني كه در آينده مي‌خواهند در اين زمينه پژوهش، كار كنند، بيان كرد. (سيف، 1375، ص 33).

### 3.3. ساختار مقاله مبتني بر پژوهش توصيفي

اصول به كار گرفته شده در پژوهشهاي توصيفي بانوجه به روشهاي به كار گرفته شده، با اصول پژوهشهاي ميداني، مقداري متفاوت است. هر چند اين اصول ممكن است با توجه به موضوعهاي مختلف تحقيقي و رشتههاي مختلف، تغيير نمايد، ساختار كلي‌اي كه تقريباً همه پژوهشهاي توصيفي بايد در قالب آن درآيند، به شرح زير است.



**3.3.1. مقدمه**

آنچه در مقدمه يك مقاله تحقيق كتابخانه‌اي قرار مي‌گيرد - همانند تحقيقات ميداني - كلياتي است كه محقق بايد قبل از شروع بحث، آن را براي خواننده روشن نمايد؛ مانند تعريف و بيان مسئله تحقيق، تبیین ضرورت انجام آن و اهدافي كه اين تحقيق به دنبال دارد. همچنين محقق بايد خلاصه‌اي از سابقه بحث را - كه به طور مستقيم مرتبط با موضوع است - بيان كند و در نهايت توضيح دهد كه اين مقاله به دنبال كشف يا به دست آوردن چه مسئله‌اي است؛ به عبارتي، مجهولات يا سؤال‌هاي مورد نظر چيست كه اين مقاله درصدد بيان آنهاست.

**3.3.2. طرح بحث (متن)**

در اين بخش، مؤلف وارد اصل مسئله مي‌شود. در اینجا بايد با توجه به موضوعي كه مقاله در پي تحقيق آن است، عناوين فرعي‌تر از هم متمايز گردند. محقق در تبیین اين قسمت از بحث، بايد اصول مهم قواعد محتوایی مقاله را مورد توجه قرار دهد و سعي كند آنها را مراعات نمايد؛ اصولي مانند: منطقي و مستدل بودن، منظم و منسجم بودن، تناسب بحث با عنوان اصلي، ارتباط منطقي بين عناوين فرعي‌تر در مسئله، خلاقيت و نوآوري در محتوا، اجتناب از كلي‌گويي، مستندبودن بحث به نظريه‌هاي علمي و ديني، جلوگیری از حاشيه‌روي افراطي كه به انحراف بحث از مسير اصلي مي‌انجامد و موجب خستگي خواننده مي‌شود و همچنين پرهيز از خلاصه‌گويي و موجزگويي تفریطي كه به ابهام در فهم مي‌انجامد، رعايت امانت حقوق مؤلفان، اجتناب از استناد دادن به صورت افراطي، توجه داشتن به ابعاد مختلف مسئله و امثال اينها.

**3.3.3. نتیجه گيري**

در اين قسمت محقق بايد به نتيجه معقول، منطقي و مستدل برسد. نداشتن تعصب و سوگيري غيرمنصفانه در نتيجه‌گيري، ارتباط دادن نتايج با مباحث مطرح شده در پيشينه، ارائه راهبردها و پيشنهادهايي براي تحقيقات آينده، مشخص کردن نقش نتايج در پيشبرد علوم بنيادي و کاربردي و امثال آن، از جمله مواردی است كه محقق بايد به آنها توجه داشته باشد.

**4. ارجاعات**

اعتبار يك گزارش پژوهشي علاوه بر صحت و دقت داده‌ها و استدلال حاصل از آنها، به منابع و مراجعي است كه از اطلاعات آنها در پژوهش استفاده شده است. ارجاعات از موارد مهم ساختار يك مقاله علمي است، به وسيله آن، چگونگي استفاده از اندیشه‌هاي ديگران را به خواننده معرفي مي‌نمايد.

در اين قسمت به دو بحث مهم ارجاعات اشاره مي‌شود كه يكي شيوه ارجاع دادن در متن است و ديگري شيوه ذكر منابع در پايان مقاله.

**4.1. ارجاعات در متن**

نخستين چيزي كه درباره استناد دادن در متن بايد مشخص بشود، اين است كه: چه چيزي بايد مستند گردد؟ مك برني (23) (1990) موارد استناد آوران را به شرح زير بيان داشته است:

الف) بايد انديشه‌هايي را كه به ديگران تعلق دارند، مشخص كرد و با ذكر مأخذ نشان داد كه از آن چه كساني مي باشند (امانت داري)

ب) هر زمان كه افكار و انديشه‌هايي با چهارچوب فكري كسان ديگري همخواني دارند، موارد را بايد با ذكر منبع مشخص كرد.

ج) هر زمان كه نظريه، روش يا داده‌اي مورد بحث قرار مي‌گيرد، منبع آن را بايد ذكر كرد تا اگر خواننده خواست اطلاعات بيشتري درباره آن كسب كند، بتواند به آن مراجعه كند.

د) بايد نقل قول‌هايي را كه از يك متن به صورت مستقيم و بدون دخل و تصرف، داخل گيوه آورده مي‌شود، مستند ساخت. (مك برني 1990، به نقل از سيف 1375، ص 39).

بنابراين اطلاعاتي كه براي خوانندگان، اطلاعات عمومي به حساب مي‌آيند، لازم نيست مستند شوند. نويسنده، تنها در صورتي مي‌تواند به آثار خود ارجاع دهد كه اين ارجاع براي مطالعه بيشتري باشد و نقل از خود، معنا ندارد. همچنين در استناد كردن، حتي‌الامكان بايد به منبع مستقيم يا ترجمه آن استناد كرد. تنها زماني به منابع ديگران استناد مي‌شود كه محقق دسترسي مستقيم به اصل اثر را نداشته باشد كه در آن صورت بايد مشخص كرد كه آن مطلب از يك منبع دست دوم گرفته شده است. (سيف، 1375، ص 40).

#### 4.1.1. شيوه ارجاع در متن

هرگاه در متن مقاله مطلبي از يك كتاب يا مجله يا... به صورت مستقيم يا غير مستقيم، نقل شود، بايد پس از بيان مطلب، آن را مستند ساخت. اين مستندسازي شيوه‌هاي مختلفی دارد كه در اينجا به بخش‌هايي از آن اشاره مي شود.

در استناد، نام مؤلف و صاحب اثر، بدون القاب «آقا»، «خانم»، «استاد»، «دكتور»، «پروفسور»، «حجت‌الاسلام»، «آيت‌الله» و امثال آن آورده مي‌شود، مگر در جايي كه لقب جزو نام مشخص شده باشد، مانند خواجه نصيرالدين

طوسي، آخوند خراساني، امام خميني، علامه طباطبائي. (دهنوي، 1377، ص 89).

الف) يك اثر با يك مؤلف:

پس از آوردن متن، داخل پرانتز: نام مؤلف، تاريخ انتشار، شماره صفحه به ترتيب مي‌آيد و پس از آن، نقطه آورده مي شود، مانند: (منطقي، 1382، ص 27).

ب) يك اثر بيش از يك مؤلف:

اگر تأليف داراي دو يا سه مؤلف باشد، نام آنها به ترتيب ذكر شده در اثر، به همراه سال انتشار و شماره صفحه مي‌آيد؛ ولي در آثار با بيش از سه مؤلف، نام اولين مؤلف ذكر مي‌شود و به دنبال آن عبارت «و همكاران» و سپس سال انتشار و شماره صفحه مي‌آيد؛ مانند: (سرمد، بازرگان و حجازي، 1379، ص 50) يا (نوريخس و همكاران، 1346، ص 75).

ج) آثار با نام سازمانها و نهادها:

در صورتي كه آثار به نام شركتها، انجمنها، مؤسسات، ادارات و مانند اينها انتشار يابند، در استنادكردن، به جاي نام مؤلف، نام سازمان مي‌آيد، مانند: (فرهنگستان زبان و ادبيات فارسي، 1382، ص 34).

د) دو يا چند اثر يك مؤلف:

هرگاه به دو يا چند اثر مهم اشاره شود، همه آنها در داخل پراكتز، و به ترتيب تاريخ نشر پشت سرهم مي‌آيند؛ مانند: (والاس، 1980، ص 15؛ 1988، ص 27؛ 1990، ص 5). و اگر چند اثر يك مؤلف در يك سال منتشر شده باشد، آثار مختلف او با حروف الفبا از هم متمايز مي‌گردند؛ مانند: (احمدي، 1365 الف، ص 22؛ 1365 ب، ص 16).

ر) استناد آيات و روايات:

در استناد دادن به آيات، ابتدا نام سوره، سپس شماره آيه ذكر مي‌شود. درباره روايات نهج البلاغه، ابتدا نام كتاب سپس شماره خطبه، نامه يا كلمات قصار ذكر مي‌شود، و روايات غير نهج البلاغه، نام گردآورنده روايات، تاريخ نشر، شماره جلد و صفحه مي‌آيد؛ مانند: (بقره، 39)؛ (نهج البلاغه، خطبه 33)؛ (مجلسي، 1403، ج 56، ص 198).

#### 4.1.2. زيرنويس (پاورقي) توضيحي

توضيحات اضافي، يا توضيح اصطلاحاتي را كه نويسنده براي حفظ انسجام متن نمي‌تواند آن را در متن بياورد، مي‌توان در زير صفحه با مشخص كردن شماره آنها بيان كرد. نکته قابل توجه اينكه، اين توضيحات بايد حتي‌الامكان خلاصه ذكر شوند و نبايد تكرار مطالب متن باشند. ترجمه آيات و روايات بايد در متن مقاله‌هاي فارسي بيايد و در صورت نياز، متن عربي آن در پاورقي ذكر شود. اما در جايي كه آوردن متن عربي در متن ضروري باشد، به جهت پرهيز از تطويل در متن علمي، از آوردن ترجمه در متن، اجتناب مي‌شود و به توضيح و تبين آن اكتفا مي‌شود.

در ترجمه متون توضيحاتي كه مؤلف در زيرنويس آورده، بايد عينا ترجمه شود و در صورتي كه مترجم براي بيان اصطلاح يا تبين مطلبي توضيحي را ضروري ببيند، مي‌تواند آن را در پاورقي ذكر كند و در جلوي آن لفظ «مترجم» را- براي متمايز ساختن آن از توضيحات مؤلف- بياورد.

#### 4.1.3. معادلها

كلمه‌هاي بيگانه در داخل متن حتما بايد به فارسي نوشته شود و صورت خارجي آنها در پاورقي ذكر گردد و اين، منحصر به اصطلاحات تخصصي يا اسامي اشخاص است. چنانچه در موارد خاصي لازم باشد كه صورت خارجي آنها در داخل متن بيايد، بايد آنها را مقابل صورت فارسي در داخل پرانتز نوشت. (غلامحسين‌زاده، 1372، ص 17).

نكته قابل‌توجه در استناد دادن معادل‌ها اين است كه اولاً در هر متن يا مقاله يا كتاب، فقط يك بار معادل انگليسي آنها آورده مي‌شود؛ ثانياً معادل‌هاي بكار گرفته شده بايد يكنواخت باشند. و در صورت آوردن معادل‌هاي ديگر، مثل فرانسه، آلماني، و... بايد، در متن توضيحي درباره آن داده شود. در نوشتن اسامي اشخاص، ابتدا نام

بزرگ، سپس حرف اول نام كوچك او با حروف بزرگ نوشته مي‌شود، مانند: Jung, C.

### ارجاع در منابع

محقق بايد در پايان مقاله فهرستي از منابع و مراجعي كه در متن به آنها استناد کرده است، به ترتيب حروف الفبائي نام خانوادگي در منابع فارسي (عربي يا انگليسي در صورت استفاده) بياورد. مقصود از فهرست منابع، به دست دادن صورت دقيق و كامل همه مراجعي است كه در متن مقاله به آنها استناد شده است. هدف از ارائه اين فهرست، نشان دادن ميزان تلاش پژوهشگر در بررسي و استفاده از منابع گوناگون، احترام به حقوق ساير نويسندگان و مؤلفان و نيز راحتي دستيابي خواننده به منابع موردنظر است؛ علاوه بر اينكه تمامي مراجع و مآخذي كه در متن به آنها استناد شده، بايد در فهرست منابع آورده شود، پس در بخش منابع، فقط منابعي آورده مي‌شود كه در متن به آنها استناد شده است.

در ذكر هر منبع، حداقل پنج دسته اطلاعات، ضروري به نظر مي‌رسند كه در همه ارجاعات مشترك‌اند:

1. نام مؤلف يا مؤلفان؛ 2. تاريخ انتشار؛ 3. عنوان اثر؛ 4. نام شهر (ابالت)؛ 5. نام ناشر.

جداسازي اين اطلاعات از هم با نقطه (.) و جداسازي اجزاي مختلف هر يك از آنها با ويرگول (،) صورت مي‌گيرد.

### 4.2.1. ارجاع كتاب در منابع

الف) در ارجاع كتاب با يك مؤلف، اطلاعات ضروري ذكر شده در بالا ذكر مي‌شود، در صورتي كه اثر تجديدچاپ شده باشد، پس از عنوان كتاب، شماره چاپ آن مي‌آيد، مانند: جوادى آملی، عبدالله (1372). هدايت در قرآن (چاپ سوم). تهران: مركز نشر فرهنگي رجا.

در ارجاعات انگليسي در صورتي كه چاپ جديد مجدداً ويرايش شده باشد، علامت اي دي (ed) با شماره با شماره ويرايش آن، داخل پرانتز آورده مي‌شود، مانند:

Belmont. An introduction to the history of psychology (2ed). Wadsworth: CA .  
Hergenhahn, (1993). R. B

ب) در ارجاع منابع داراي دو مؤلف يا بيشتري، اسامي مؤلفان به ترتيب نام ذکر شده در كتاب، ذكر مي شود و بين نام و نام خانوادگي آنها ویرگول و بين اسامي مؤلفان نقطه ویرگول (;) مي آید؛ مانند:

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازي، زهره (1379). روش هاي تحقيقات در علوم رفتاري (چاپ سوم). تهران: نشر آگاه.

ج) در معرفي كتاب هاي ترجمه شده، پس از ذكر نام مؤلف و تاريخ اثر، نام مترجم و تاريخ انتشار ترجمه ذكر مي شود. در آثاري كه تاريخ نشرشان مشخص نيست، داخل پرانتز به جاي تاريخ نشر، علامت سؤال (?) مي آید؛ مانند:  
صدرالدين شيرازي، محمد (1375). شواهد الربوبيه، ترجمه جواد مصلح. چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.

د) در معرفي كتاب هايي كه با عنوان سازمان ها يا نهادها منتشر شده اند، به جاي نام اشخاص، نام مراكز ذكر مي شوند: مركز اسناد و مدارك علمي، وزارت آموزش و پرورش، (1362). واژه نامه آموزش و پرورش: فارسي- انگليسي، انگليسي- فارسي. تهران. نشر مؤلف.

ر) كتاب هايي كه به جاي مؤلف، ويراستاري يا به صورت مجموعه مقالاتي بوده كه به وسيله افراد مختلف نوشته شده است؛ اما يك يا چند نفر آنها را گردآوري کرده اند، بدین صورت مي آيند:

شفيق آبادي، عبدالله (گردآورنده)، (1374). مجموعه مقالات اولين سمينار راهنمايي و مشاوره. تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائي.

#### 4.2.2. ارجاع مقاله در منابع

براي ارجاع به مقاله هايي كه در مجله هاي علمي- تخصصي به چاپ مي رسند، ابتدا نام مؤلف يا مؤلفان، پس از آن، تاريخ انتشار اثر، بعد عنوان مقاله، و به دنبال آن، نام مجله و شماره آن ذكر مي شود، سپس شماره صفحات آن مقاله در آن مجله با حروف مخفف صص در فارسي و pp در انگليسي آورده مي شود؛ مانند:

حداد عادل، غلامعلي (1375). آيا انسان مي تواند عيني باشد. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش 9، صص 35-41.

#### 4.2.3. ارجاع پايان نامه و رساله در منابع

در ارجاع رساله ها و پايان نامه ها، پس از ذكر عنوان، بايد ذكر شود كه آن منبع پايان نامه كارشناسي ارشد يا رساله دكتررا و به صورت چاپ نشده، است؛ سپس بايد نام دانشگاهي را كه مؤلف در آن فارغ التحصيل شده است، آورد:

ايزدپناه، عباس (1371). مباني معرفتي مشّاء و اهل عرفان، پايان نامه كارشناسي ارشد، چاپ نشده دانشگاه قم.

#### 4.2.4. ارجاع از يك روزنامه در منابع

در معرفي مقاله هايي كه در خبرنامه ها و روزنامه ها به چاپ مي رسد، يا استنادهايي كه از متن سخنراني اشخاص در يك روزنامه آورده مي شود، همانند ارجاع مقاله در مجله، تمام اطلاعات ضروري را آورده سپس سال انتشار، روز و ماه، نام روزنامه و شماره صفحه را ذكر مي كند. مانند:

محقق كجدي، محمدكاظم (1375، 21مهر)، موانع ساختاري توسعه بخش كشاورزي، روزنامه كيهان، ص6.

#### 4.2.5. ارجاع فرهنگنامه و دائرةالمعارف در منابع

در ارجاع دائرةالمعارف ها نام سرپرست آورده شده و سپس بقيه اطلاعات ضروري، همانند كتاب به ترتيب مي آيد؛ مانند:

بجنوردي، سيدكاظم و همكاران (1377)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامي (چاپ دوم)، تهران: مركز دائرةالمعارف بزرگ اسلامي.

#### 4.2.6. ارجاع كنفرانس ها، سمينارها و گزارش ها

ارائه گزارش از همایش ها و سمینارها باید به شکل زیر بیان گردد: (سلطاني، 1363، ص 19).

همایش بين المللي نقش دين در بهداشت و روان (1380). چكیده مقالات اولين همایش بين المللي نقش دين در بهداشت روان، تهران: دانشگاه علوم پزشكي ايران.

#### 4.2.7. نقل منابع الكترونيكي (اينترنت)

امروزه نقل از منابع اينترنتي يكي از منابع ارجاع است كه در ذكر آن، اطلاعات ضروري به ترتيب زير بيان مي گردد. (ترابيان، 1987، ترجمه قنبري، 1380).

بارلو، جان پي (1996). درخت يوشع مي لرزد، در مجله CORE (روي خط اينترنت)، ج8، ش 1، (1992)، نقل شده تاريخ 25 مارس 1996، قابل دسترسي در؛

Corel. 08. g2. :pub/Zines/CORE-Zine File:Ptp. etext. org Directory

#### 5. آئين نگارش

چنان‌که بيان شد، محقق بايد ابعاد سه گانه محتوايي، ساختاري و نگارشي مقاله را مورد توجه قرار دهد. آنچه تاکنون بيان شد، خلاصه‌اي از اصول محتوايي و ساختاري يك مقاله علمي بود. اکنون به بررسي اصول كلي آيين

نگارش که رعايت آن در تحرير مقاله علمي ضروري به نظر مي رسد، مي پردازيم.

الف) متن علمي تا حد ممکن بايد مختصر و مفيد باشد. به همين جهت لازم است از آوردن نقل قول‌هاي غيرضروري و حجم‌افزا، تفنن‌هاي شاعرانه و ذوقي، بيان‌هاي عاطفي و احساسی و گزافه‌نويسي اجتناب شود.

ب) از آوردن عبارت‌هاي مبهم، مغلق و پيچيده و واژه‌هاي نامأنوس بايد احتراز گردد.

ج) بايد از ذکر بندهاي طولاني و جمله‌هاي بلند خودداري شود.

د) مطالب بايد ساده، روان، جذاب و به گونه‌اي صريح و روشن بيان گردد.

ر) در نقل مطالب، ضروري است امانت‌داري را با ذکر مشخصات دقيق منبع رعايت نمود. هر چند در اين باب نبايد به دام افراط و تفریط- که حمل بر فضل فروشي يا سهل انگاري است- افتاد.

ش) هر بخش از نوشته که شامل يك اندیشه و مطلب خاصي است، بايد در يك بند (پاراگراف) آورده شود.

ص) بايد از به کار بردن کلمات مترادف به جهت افزايش حجم اجتناب شود.

ط) بايد از به کار بردن افراطي حروف اضافه و حروف ربط در متن پرهيز شود.

ع) بايد از به کار بردن تعبيرهاي نامناسب و عاميانه و استعمال الفاظ ناروا، رکيک و غير اخلاقي احتراز شود.

دو نکته را در آيين نگارش بايد به صورت مجزا بنويسيدک يکي رسم الخط فارسي و ديگري آيين نشانه گذاري است که مختصراً به آنها اشاره مي شود:

### 5.1. رسم الخط فارسي

خط چهره مکتوب زبان است و همانند زبان، از مجموعه اصول و قواعدی پیرو می‌کند. از آنجا که خط نقش مهمی در اصالت و غنای فرهنگ يك جامعه دارد، نبايد شيوه‌اي را برگزيد که نسل‌هاي جديد در استفاده از منابع کهن و ذخاير فرهنگي خود، دچار مشکل جدي شوند. بنابراین نبايد چهره خط فارسي به صورتي تغيير کند که مشابهت خود را با ذخاير فرهنگي قديمي از دست بدهد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسي که يك نهاد رسمي است و طبق قانون، وظيفه نظارت، تدوين، تنظيم و تصويب قواعد و ضوابط خط فارسي را به عهده دارد، اصول و قوانيني را در اين باره تصويب کرده است که ما در اين بخش از مقاله، با عنايت به مصوبات اين فرهنگستان، نکات رسم الخطي را به اختصار بيان مي‌کنيم.

## 5.1.1. قواعد املائي برخي واژه ها

الف) واژه‌هايي که همواره به صورت جدا نوشته مي‌شود، عبارت‌اند از «اي»، مانند: اي خدا؛ «همين» و «همان» مانند: همين جا، همان کتاب؛ «هيچ»: مانند: هيچ يك؛ «مي» و «همي»، مانند: مي‌رود و همي گويد.

ب) واژه هاي که همواره جدا نوشته مي شوند، اما استثنا دارند:

«اين» و «آن» همواره جدا نوشته مي‌شوند، مگر در: آنچه، آنکه، اينکه، اينها، آنها، اينجا، آنجا، وانگهي.  
«چه» همواره جدا نوشته مي‌شود، مگر در: چرا، چگونه، چقدر، چطور، چنان.  
«بي» همواره جدا نوشته مي‌شود، مگر آنکه کلمه، بسيطگونه باشد، مثل: بيهوده، بيخود، بيراه، بيچاره، بينوا، بيجا.

«هم» از کلمه پس از خود جدا نوشته مي شود، مگر در:

1. کلمه بسيطگونه باشد، مثل همشهری، همشیره، همسايه، همدیگر، همچنين، همچنان، همين، همان.

2. جزء دوم تگ هجايي باشد، مانند: همدرس، همسنگ، همکار، همراه.

3. جزئ دوم با حرف مصوت «آ» شروع شود، مثل: همایش، همآورد، هماهنگ.

«به» همواره جدا نوشته مي شود، مگر در:

1. وقتي بر سر فعل يا مصدر بياید (باي زينت) مثل: بگفتم، بروم، بنمايد، بگفتن.

2. به صورت بدین، بدان، بدیشان به کار رود.

3. هرگاه صفت بسازد: بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام.

ج) واژه هايي که همواره جدا نوشته مي شود، اما استثنا دارند:

«که» همواره جدا از کلمه قبل نوشته مي شود، مگر در: بلکه، آنکه، اينکه.

«چه» از کلمه پيش از خود جدا نوشته مي شود، مگر در: آنچه، چنانچه.

«را» همواره جدا نوشته مي شود، مگر در: چرا، مرا.

«تر» و «ترين» همواره جدا نوشته مي شود، مگر در: بهتر، مهمتر، کمتر، بيشتتر.

د) واژه هايي که همواره به ماقبل متصل مي شوند، اما استثنا دارند:

«ها» همواره به کلمه ماقبل مي چسبد، مگر در:



1. بخواهيم صورت مفرد كلمه مشخص شود، مثل: كتاب ها، درس ها.

2. كلمه به «ه» غير ملفوظ ختم شود، مثل: ميوه ها، خانه ها.

### 5.1.2. علايم همراه

الف) اگر حرف پيش از آن مفتوح باشد، روي كرسى «ا» نوشته مي‌شود، مگر آنكه پس از آن مصّلت «اي»، «او» يا «ب» باشد كه در اين صورت روي كرسى «ي» نوشته مي‌شود: رأفت، تأسف، مأنوس، شأن، خلا، ملا، مبدأ، منشأ، رئيس، لئيم، رئوف، مؤنوت، مطمئن، مضمئن.

ب) اگر حرف پيش از آن مضموم باشد، روي كرسى «و» نوشته مي‌شود، مگر آنكه پس از آن مصّلت «او» باشد كه در اين صورت روي كرسى «ي» نوشته مي‌شود:

رؤيا، رؤسا، مؤسسسه، مؤذّن، مؤثر، مؤانست، لؤلؤ، تالؤلشئون، رئوس.

ج) اگر حرف پيش از آن مكسور باشد، يا ساكن ولي در وسط كلمه قرار داشته باشد، روي كرسى «ي» نوشته

مي‌شود و همچنين كلمات دخيل فرنگي همواره با كرسى «ي» نوشته مي‌شوند:

لئام، رئاليسٲ، سئول، نئون، مسئله، جرئت، هيئت، و در توأم استثنا است.

د) اگر حرف پيش از آن مكسور و در آخر كلمه باشد، روي كرسى (ي) نوشته مي‌شود: متألّيه.

ر) اگر حرف پيش از آن ساكن و يا يكي از مصّلت‌هاي بلند «آ»، «او» يا «اي» بوده و در آخر كلمه نوشته شود، بدون

كرسى نوشته مي‌شود: جزء، سوء، شيء، بطاء، سماء، ماء، املاء، انشاء.

س) در صورتي كه همزه پاياني ماقبل ساكن (بدون كرسى) يا همزه پاياني ماقبل مفتوح (با كرسى «ا») و يا همزه

پاياني ماقبل مضموم (با كرسى «و») به ياي وحدت يا نكره متصل شود، كرسى «ي» مي‌گيرد و كرسى قبلي آن نيز

حفظ مي‌شود: جزئي، شيني، منشائي، مائي، لؤلؤئي.

ص) اگر حرف پيش از آن مفتوح يا ساكن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت آ و آ نوشته مي‌شود:

مآخذ، لآلي، قرآن، مرآت.

الف) نشانه كسره اضافه در خط فارسي آورده نمي‌شود، مگر براي رفع ابهام در كلماتي كه دشواري ايجاد مي‌كند: اسب سواري / اسب سواري.

ب) براي كلمات مختوم به هاي بيان حركت، در حالت مضاف، از علامت «ء» (ي کوتاه شده شبیه همزه) استفاده مي‌شود: خا قهرمن، نامه من، نوشه تلو.

ج) «ي» در كلمه‌هاي عربي مختوم به «ي» (كه «آ» تلفظ مي‌شود) در اضافه به كلمه بعد از خود به «الف» تبديل مي‌شود: عيساي مسيح، موساي كلیم، هوای نفس، كبرای قیاس.

#### 5.1.4. واژه ها و عبارات مأخوذ از عربي

الف) «ة» در عبارات مأخوذ از عربي به چند صورت مي آيد:

1) اگر در آخر كلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته مي‌شود: رحمت، جهت، قضات، برات، مراقبت.  
2) اگر در آخر كلمه تلفظ نشود، به صورت «ه» يا «ه» نوشته مي‌شود: علاقه، معاينه، مراقبه، نظاره، آتیه.

3) در تركيبات عربي رايج در فارسي به صوت «ة» يا «ة» نوشته مي‌شود: ليلة القدر، ثقة الاسلام، خاتمة الامر، دايرة المعارف؛ استثنا در كلمات حجت الاسلام و آيت الله.

ب) «ا» كه در برخي از كلمه‌هاي عربي به صورت «آ» تلفظ مي‌شود. در فارسي به صورت «الف» نوشته مي‌شود، مگر در مواردی كه رسم الخط قرآني آن مراد است: زكات، حیات، مشكات.

ج) «الف کوتاه» همیشه به صورت «الف»، نوشته مي‌شود، مگر در برخي حروف اضافه و اسامي خاصي كه «الف» در آخر كلمه مي‌آيد و تركيباتي كه عينا از عربي گرفته شده است: شورا، مولا، تقوا، اسماعيل، رحمان، هارون، ياسين، الي، حتي، عيسي، يحيي، مرتضي، اعلام الهدى، بدرالأجي، سدرةالمنتهى، طوبيلك.

#### 5.1.5. تنوين

آوردن تنوين (در صورتی كه تلفظ شود) در نوشته‌هاي رسمي و نیز در متون آموزشي الزامي است و به صورت هاي زير نوشته مي‌شود:

الف) تنوين نصب همیشه به صورت «ا / ل» نوشته مي‌شود و اگر كلمه مختوم به همزه باشد، همزه آنها روي كرسي «ي» قرار مي آيد و سپس تنوين روي «الف» بعد از آن قرار مي گيرد:

نسبتا، واقعا، موقتا، عجالتا، طبيعنا، عمدا، جزنا، استثنانا، ابتدانا.  
ب) تنوين رفع و جر در همه جا به صورت « ُ » و « ِ » نوشته مي‌شود و فقط در تركيبات مأخوذ از عربي كه در

زبان فارسي رايج است، به كار مي‌رود: مشاءاليه، مضاءاليه، منقول عنه، مختلأفيه، متفق عليه، بعبارة اذري، اي نحوكان.

آوردن تتوين در كلمه هاي فارسي اشتباه است: گاه، زبانا.

### 5.1.6. تركيبات

مراد در اينجا كلمات مركب و مشتق مي باشد كه به صورت زير آورده مي شود:

#### 5.1.6.1. كلمات مركبي كه الزما پيوسته نوشته مي شوند:

الف) مركب هايي كه بسيط گونه اند: آبرو، الفبا، آبشار، نيشكر، رختخواب، يکشنبه، سيصد، يكتا، بيستگانه.

ب) جزء دوم با «آ» آغاز شود و تك هجايي باشد: گلاب، پساب، خوشاب، دستاس.

ج) هرگاه كاهش يا افزايش واجي يا ابدال يا ادغام يا جابه‌جايي آوايي در داخل آنها روي داده باشد:

چند، هشار: ولنگاري، شاهسپرم، نستعليق، سکنجین.

د) مركبي كه دست كم يك جزء آن، کاربرد مستقل نداشته باشد: غمخوار: رنگرز، كهربا.

ر) مركب‌هايي كه جدانوشتن آنها التباس يا ابهام معنايي ايجاد مي‌كند: بهيار (به يار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام).

س) كلمه هاي مركبي كه جزء دوم آنها تك هجايي باشد و صورت رسمي يا نيمه رسمي يا جنبه سازماني، اداري و صنفی یافته باشد: استاندار، بخشدار، كتابدار، قالیشو، آشيز.

#### 5.1.6.2. كلمات مركبي كه الزما جدا نوشته مي شوند:

الف) تركيب هاي اضافي 0 شامل موصوف و صفت يا مضاف و مضاف اليه).

ب) جزء دوم با «الف» آغاز شود: دل انگيز، عقب افتادگي، كم احساس.

ج) حرف پاياني جزء اول با حرف آغازي جزئ دوم همانند يا هم مخرج باشد:

آئين نامه، پاك كن، كم مصرف، چوب بري، چوب پرده، نظام مند.

د) مركب‌هاي اتباعي و نيز مركب‌هاي متشكل از دو جزء مكرر: سنگين رنگين، تك تك، هق هق.

ر) مصدر مركب و فعل مركب: سخن گفتن، نگاه داشتن

س) مرکب‌هايي که يك جزء آنها کلمه دخيل فرنگي باشد: خوش‌پز، شيك‌پوش: پاگون‌دار.

ص) عبارت‌هاي عربي که شامل چند جزء باشد: مع ذلك، من بعد، علي‌هذا، ان شاء الله، باري‌تعالی، علي‌الاحال.  
ط) يك جزء از واژه‌هاي مرکب، عدد باشد: پنج‌تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، نه‌فلك، ده‌چرخه.

ع) کلمه‌هاي مرکبي که جزء اول آنها به «هاي» بيان حرکت ختم شود؛ مگر اینکه در تركيب، «ها» حذف شده به جاي آن، «گ» میانجی بيايد: بهانه‌گیر، پایه‌دار، کناره‌گیر، تشنگان، خفتگان، هفت‌گي، بچگي.

ف) کلمه با پيوسته‌نويسي، طولاني يا نامأنوس يا پردندانه شود: عافيت‌طلبي، مصلحت‌بين، پاک‌ضمير، حقيقت‌جو.

ق) يك جزء کلمه مرکب، صفت مفعولي يا صفت فاعلي باشد: اجل‌رسیده، نمک‌پرورده، اخلاص‌کننده، پاک‌کننده.

ک) يك جزء آن اسم خاص باشد: سعدي صفت، عیسی دم، عیسی رشته، مریم بافته.

ل) جزء آغازی يا پایانی آن بسامد زياد داشته باشد: نيك‌بخت، هفت‌پيكر، شاه‌نشين، سیه‌چشم.  
م) هرگاه با پيوسته‌نويسي، اجزای تركيب معلوم نشود و احيانا ابهام معنایي پديد آيد: پاک‌نام، پاک‌دامن، پاک‌رای.

### 5.1.6.3. کلمات مرکبي که به دو صورت نوشته مي شود:

به جز کلماتي که الزاما پيوسته يا جدا نوشته شود، کلمات مرکب ديگر تابع قاعده خاصی نيست و به دو صورت نوشته مي شود که به برخي از آنها اشاره مي شود:

الف) پسوند «وار» در برخي کلمات جدا و در برخي ديگر پيوسته نوشته مي‌شود: طوطي‌وار، فردوسي‌وار، طاووس‌وار، بزرگوار، سوگوار، خانوار.

ب) نوشتن کلمه «باسمه‌تعالی» و «بسمه‌تعالی» به هر دو صورت جايز است.

ج) اگر واژه مرکب، عدد يك داشته باشد، نوشتن آن به هر دو صورت جايز است: يكسويه، يك سويه؛ يکشنبه، يك شنبه؛ يکسره، يك‌سره؛ يکپارچه، يك‌پارچه.

### 5.1.7. نکات تکميلي در رسم الخط

الف) جمع واژه‌هاي فارسي با «ات» غلط مي‌باشد، مانند گزارشات، پيشنهادات، که صحيح آن گزارش‌ها، پيشنهاده‌ها مي‌باشد.

ب) کلمه عربي با علامت عربي جمع بسته مي‌شود، مانند: اطلاعات، وجوه، سطوح

ج) پسوند «يت» مصدرساز عربي، براي كلمات فارسي به كار نمي‌رود؛ مثل: رهريت، شهرت كه صحيح آن رهبري و شهري بودن است

## 5.2. نشانۀ گذاري ها (27)

از آنجا كه در جملات مکتوب، عوامل همچون مكث، تكيه، آهنگ و لحن كلام يا اشاره‌ها - كه در سخن‌گفتن استفاده ميشود- وجود ندارند تا گوینده را در انتقال مقصودش ياري دهند، براي رفع ابهام و روشن‌تر کردن مقصود نويسنده و روان خواندن نوشته، از علايم نقطه‌گذاري استفاده ميشود. استفاده از علايم ويرايش، بيشتتر تابع لحن كلام و سبك نويسنده است، با وجود اين، گاهي از اصول و قواعد ي پيروي ميكند كه سعي ميشود موارد مهم آنها بيان گردد.

### 5.2.1. ويرگول (،)

ويرگول نشانۀ مكث كوتاه است كه با توجه به نوع متن و نوع مخاطب، براي درست و روان خواندن نوشته، در حد اعتدال به كار برده ميشود. در برخي موارد استفاده از آن ضرورت دارد كه به برخي از آنها اشاره مي‌گردد: الف) در بين دو كلمه كه احتمال دارد خواننده آنها را به هم اضافه كند: امام، امت اسلام را زنده كرد.

ب) در دو طرف عطف بيان و بدل نيز معمولاً به كار مي‌رود:

شريعتمداري، مدير مسؤل روزنامه كيهان، درباره مسائل جاري گفت . . .

ج) بين چند كلمه يا گروه كه در کنار هم بيابند و از نظر دستوري داراي يك نقش باشند، از ويرگول استفاده مي‌شود و دو واحد آخري با «و» به هم عطف ميشوند: مرد ي مؤدب، فروتن، مهربان و نيكوكار بود.

د) در ميان عبارت ها و جمله هاي غير مستقل و وابسته:

معمولاً پيش مردم ظاهر بين، دانشمند واقعي كسي است كه...

ر) براي جدا كردن اجزاي آدرس ها: قم، بلوار امين، روبروي راهنمايي و رانندگي، مؤسسه پژوهشي حوزه و دانشگاه.

ص) بعد از كلمه ها و عبارت هاي ربطتي مانند:

با اين همه، به هر حال و... و قيدي، مانند: اولاً، ثانياً، بلي، خير و...

### 5.2.2. نقطه ويرگول (؛)

نقطه ويرگول براي مكث‌هاي طولاني‌تر و فواصل بين ويرگول و نقطه است و به نقطه نزديكتر است كه موارد کاربرد آن به شرح زير است:

الف) قبل از كلمه‌ها و عبارت‌هاي توضيحي مانند: (مثلاً، يعني، اما و...) اگر به مفهوم جمله قبل برگردد:

شيخ‌الرئيس گفته است كه: «از گاو مي‌ترسم؛ براي اينكه گاو شاخ دارد و عقل ندارد»؛ يعني اينكه از قدرتمند كم عقل بايد گريخت.

ب) اجزاي وابسته به يك موضوع كلي، هرگاه به صورت جمله‌هاي متعدداً ظاهراً مستقل بيان شود:

فراق، كوه را هامون كند؛ هامون را جيحون كند؛ جيحون را پرخون كند؛ پس با اين دل ضعيف چون كند؟

ج) هرگاه در بين اجزاي قسمت‌هاي مختلف يك جمله، ويرگول‌هاي متعدد به كار رفته باشد، نقطه ويرگول براي جدا كردن مجموعه آن قسمت‌ها از يكدیگر به كار مي‌رود: محمد، احمد، حسن؛ علي و محمود را زدند.

د) هرگاه موضوع يك جمله كامل، فهرست‌وار دسته‌بندي شده باشد، پس از پايان هر دسته، نقطه ويرگول، و در آخرين دسته، نقطه مي‌آيد؛ مانند:

ساختمان واژه‌هاي فارسي، چند صورت است:

1) ساده: گل، دل، خرد؛

2) پيشوندي: همدلف بينوا، نادان؛

3) پسوندي: كارگر، شنونده؛

4) مركب: گلخانه، دلنواز، سخنگو؛

5) گروهی: بي دست و پا، آب از سرگذشته.

### 5.2.3. نقطه (.)

نشانه مكث كامل است كه در پايان جمله‌هاي خبري و امري مي‌آيد و موارد کاربرد آن به شرح زير است:

الف) پس از توضيحات پاورقي‌ها، جدول‌ها، نمودارها.

ب) در پايان جمله و پس از ذكر مشخصات منابع كه در متن استناد شده است؛ مانند: (مطهري، 1377، ص 25).

ج) براي مشخص كردن حرف‌هاي اختصاري، لازم است پس از هر حرف (به جز حرف آخر) نقطه گذاشته شود؛ مانند: ه.ق (هجري قمری)، ق.م (قبل از ميلاد).

### 5.2.4. دو نقطه (:)

نشانه توضیح است و به جای کلمه‌ها و عبارت‌های توضیحی (نظیر، مانند، مثل، از قبیل و...) به کار می‌رود، بدین معنی که آنچه بعد از دونقطه آمده توضیح مثال قبل است؛ مانند: تنها ره سعادت: ایمان، جهاد، شهادت.

الف) قبل از نقل قول‌ها دو نقطه می‌آید: او در کتاب خود گفته است: «شما بودید که رفتید...».

ب) برای جدا کردن رقم‌های جزئی از کلی نیز از دونقطه استفاده می‌کنند (در متن‌های فارسی رقم کلی در سمت راست و رقم جزئی سمت چپ می‌آید)، مثلاً جلد سوم صفحه چهل و یک، را به صورت، «3: 41» نشان می‌دهند.  
ج) گذاشتن دونقطه پس از عنوان‌های کتاب، مقاله، عنوان اصلی، فرعی و امثال آن لازم نیست.

### 5.2.5. علامت سؤال (?)

در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم، علامت سؤال می‌آید؛ همچنین موارد دیگر استفاده از علامت سؤال عبارت است از:

الف) پس از جمله‌های استفهام انکاری: چه کسی می‌داند چه خواهد شد؟

ب) بعد از کلمه‌ها یا عبارت‌هایی که به جای جمله پرسشی بیایند: کدام بهتر است: علم یا ثروت؟

ج) برای بیان مفهوم تردید یا استهزا این علامت در داخل پرانتز (?) استفاده می‌گردد:

آقای محمدی استاد نمونه دانشگاه تهران (?) به مشهد رفته است.

د) هرگاه چند جمله سؤالی پشت سر هم قرار گیرند، معمولاً در پایان تک تک آنها نشانه پرسش می‌آید: هیچ معلوم نیست از کجا آمده‌اند؟ چه آورده‌اند؟ به کجا می‌روند؟

ر) اگر در ضمن جمله خبری، جمله‌ای پرسشی نقل شود، باید جمله پرسشی حتماً در داخل گیومه قرار گیرد: طفیلی را پرسیدند که «اشتها داری؟»؛ گفت: من بیچاره، در جهان همین متاع دارم.

### 5.2.6. گیومه « »

نشانه‌ای است که برای «مشخص کردن» کردن در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) هرگاه عین عبارت نویسنده یا گوینده‌ای نقل شده باشد: او پرسید «آیا کتابخانه ملی را دیده‌ای؟»

ب) هرگاه برای تأکید یا به دلیل دیگر خواسته شود کلمه یا عبارتی در متن مشخص و متمایز شود مانند: گفتم «کتاب» را بیاور.

ج) آوردن عنوان مقاله‌ها، سخنرانی‌ها، فصل‌ها، مجله‌ها، اشخاص، کتاب‌ها و... در متن-جایی که در چاپ حروف کج (ایرانیک) به کار نرفته- در داخل گیومه می‌آید.

**5.2.7. پرائنز ()**

براي جدا کردن توضيح هاي نسبتا اضافي به کار مي رود؛ توضيح هايي از قبيل:

الف) عبارت هاي تکميل کننده و توضيح دهنده:

امامان معصوم(ع) احکام ديني را گاهي از راه الهام (نه وحی که خاص پيغمبر است) ميگرفتند.

ب) معنای لغت ها و کلمه ها: جلد پنجم و ششم فرهنگ معين به اعلام (اسمهاي خاص) اختصاص دارد.

ج) تاريخ ها: صائب (1081-986 ه ق) از برجسته ترين شاعران سبك هندي است.

د) ذکر مثال ها: روش هاي تحقيق به کار گرفته شده (مثل پيمائشي) در متن . . .

ر) ارجاع ها و ذکر منابع در متن: ( جوادى عاملي، 1377، ص 54).

س) براي آوردن علايم اختصاري در متن: (ق.م)؛ (ره)

**5.2.8. خط فاصله (-)**

نشانه جداسازي است و بيشتر در دو طرف جمله يا عبارت معترضه مي آيد تا آن را از متن اصلي جمله جدا کند، خط فاصله در جدا کردن، از ويرگول قوي تر و از پرائنز ضعيف تر است؛ به اين معني که خواننده حتما مطلب بين دو ويرگول را بايد بخواند، ولي مطلب دو خط فاصله را مي تواند نخواند. تفاوت آن با پرائنز در اين است که عبارت بين دو خط فاصله، جزء جمله به شمار مي رود و در روال طبيعي جمله مي توانيم آن را بخوانيم، ولي عبارت داخل پرائنز، توضيحي زايد بر متن است و ممکن است از نظر ترتيب کلمات به گونه اي نباشد که بتوانيم آن را بخوانيم (غلامحسين زاده، 1372، ص 50):

نهضت بيداري مسلمان ها در بسياري از کشورهاي اسلامي - برخلاف آنچه که تصور و تبليغ مي شود- فرزند انقلاب نيست، برادر آن است.

الف) در آغاز بندهاي کوتاه فرعي که بدون شماره گذاري يا دسته بندي عددي و حرفي بعد از دو نقطه قرار مي گيرند: کارمند خوب کسي است که:

- اهداف کارش را بداند؛

- نيازهايش را بشناسد و . . .

ب) براي پيوند دادن يك تركيب دو وجهي: فرهنگ ايراني- اسلامي؛ قطار تهران- مشهد

ج) به معني «تا» در بين دو عدد: ساعت 8-9 درس دارم.



**6. تايپ مقاله**

امروزه تقريباً اكثر مجلات علمي، مقالات خود را به صورت تايپ شده مي‌پذيرند، بدین روي و براي تکميل شدن بحث، براي آشنائي مؤلفان محترم، برخي از اصول تايپ بيان مي‌گردد:

الف) عنوان مقاله در وسط سطر و با فاصله چهار سانتيمتر از بالا با قلم ياقوت، شماره شانزده تايپ مي‌گردد.

ب) نام مؤلف در زير عنوان و در وسط سطر و با فاصله 1/5 سانتيمتر، با قلم ترافيک، شماره ده تايپ مي‌شود.

ج) رتبه علمي و محل خدمت مؤلف يا مؤلفان با علامت ستاره (\*) يا شماره در پاورقي همان صفحه و با قلم لوتوس نازک شماره دوازده که متناسب با قلم پاورقي است، تايپ مي‌گردد.

د) عناوين فرعي مقاله با شماره‌هاي تفکيک‌کننده مانند: 1. ، 2. ، 3. ، و... ، با قلم لوتوس سياه، شماره چهارده تايپ مي‌گردد.

ر) عناوين فرعي‌تر با شماره‌هاي تفکيک‌کننده 1.1 ، 1.2 ، 1.3 و... با قلم لوتوس سياه، شماره سيزده تايپ مي‌گردد. (س) متن مقاله با قلم لوتوس نازک، شماره چهارده تايپ شده و ابتدای هر پاراگراف يا بند با کمي تورفتگي (اشپون) با فاصله 0/5 سانتيمتر آغاز مي‌گردد.

ص) فاصله بين سطرهاي متن 1/5 سانتيمتر و فاصله آنها از عنوان‌هاي فرعي دو سانتيمتر است.

ط) فاصله حاشيه صفحه‌ها از هر طرف دو سانتيمتر و از بالا و پايين نیز دو سانتيمتر است و فاصله آخرين سطر با پاورقي يك سانتيمتر است.

ع) نقل قول‌هاي مستقيم در داخل گيومه با قلم لوتوس نازک، شماره دوازده تايپ مي‌گردد.

ف) شماره صفحات در گوشه سمت چپ و بالاي صفحه تايپ مي‌گردد.

ق) مقاله فقط بر يك طرف صفحه تايپ مي‌شود.

ک) بايد در تايپ مقاله از به کار بردن قلم‌هاي متنوع و متفاوت اجتناب شود.

ل) قلم انگليسي لازم براي تايپ پاورقي، Times Medium با شماره هشت است و همين قلم براي انگليسي در متن و منابع با شماره ده استفاده مي‌شود.

**7. ويرايش متن**

ويرايش متن بر عهده ويراستار است كه بايد طبق قوانين مربوط به نشر و ضوابط علمي صورت دهد. هرچند ويرايش، وظيفه محقق نيست، براي آشنايي محققان، به توضيحي اجمالي در اين رابطه ميپردازيم:

هر اثر تحقيقي دو نوع ويرايش مي شود: ويرايش فني و ويرايش محتوايي.

### 7.1. ويرايش فني

در ويرايش فني مسائلي از قبيل به دست دادن ضبطلاتيني نامها يا معادل فرنگي اصطلاحات فني، تعيين محل تصاوير، اشكال و جدولها، مراعات شيوه مناسب براي معرفي مشخصات كتابشناسي، تهيه فهرست مندرجات، فهرست تفصيلي، واژهنامه، تنظيم صفحه عنوان و صفحه حقوق، اعراب گذاريهاي لازم، تبديل مقياستها و سنوات، توضيح لازم براي برخي از اصطلاحات، معرفي اجمالي بعضي از اعلام در صورت نياز انجام مي شود.

### 7.2. ويرايش محتوايي

هر نوع كاستي و نادرستي نحوي و زباني در اين ويرايش اصلاح ميشود. اگر اثر تحقيقي، متن تصحيح شده باشد، به بدخوانيهاي مصحح توجه و با مراجعه به منابع - در صورت همكاري مصحح و در اختيار قرار دادن منابع- از درستي و اعتبار توضيحات و تعليقات وي اطمينان حاصل ميشود. در مورد آثار ترجمه شده مطابقت تمام وكمال ترجمه با متن اصلي لازم است (دهنوي، 1377، ص 100).

### 8. پيوست ها

اگر مقاله علمي داراي مطالبتي باشد كه در گزارش پژوهش علمي ضروري نيست، مؤلف آن را در پيوستها، ضميمه مقاله مينمايد. بهطور كلي آنچه پرسشنامه را در درك، ارزشيابي و تكرر پژوهش ياري ميكند، مانند نسخه كاملي از آزمونها يا پرسشنامههاي چاپ نشده و شاخصهاي آماري آنها و...، ميتواند در پيوست آورده شود.

منابع:

- احمدي گيوبي، حسن، حاكمي، اسماعيل؛ شكري، يدالله و طباطبايي، محمود (1368). زبان و نگارش فارسي. تهران. سمت.

- اعتماد، شاپور؛ حيدري، اكبر؛ سريلوكي، محمدنبي و مهرداد، سيد مرتضي (1381). معرفي نظام ارزشيابي مجلات علمي. تهران، مركز تحقيقات علمي وزارت علوم، تحقيقات و فناوري.

- ترايبان، كيت(1987). راهنماي نوشتن مقالات در طول ترم: پايان نامه‌هاي كارشناسي ارشد و دكتري. ترجمه محسن قنبري (1380). قم، مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره).
- دلاور، علي(1371). روش‌هاي تحقيق در روان‌شناسي و علوم تربيتي. چاپ سوم. تهران، دانشگاه پیام نور.
- دهنوي، حسين (1377). روش تحقيق. چاپ سوم. قم. نشر معروف.
- سرمد، زهره؛ بازركان، عباس و حجازي، الهه (1379). روش‌هاي تحقيق در علوم رفتاري. چاپ سوم. تهران، برگه.
- سيف، علي‌اكبر(1375). روش تهيه پژوهشنامه در روان‌شناسي و علوم تربيتي. تهران، دانشگاه آزاد اسلامي واحد رودهن.
- غرويان، محسن (2368). آموزش منطق. چاپ اول. قم، مؤسسه انتشارات دارالتعليم.
- غلامحسين زاده، غلامحسين (1372). آيين نگارش و ويرايش. تهران، سمت.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسي (1382). دستور خط فارسي. چاپ دوم. تهران، آثار فرهنگستان.
- مطهري، مرتضي(1372). آشنايي با علوم اسلامي. چاپ پنجم. قم، دفتر انتشارات اسلامي.
- هومن، حيدرعلي(1374). شناخت روش علمي در علوم رفتاري. چاپ دوم. تهران، پارسا.
- هومن، حيدرعلي(1378). راهنماي تدوين گزارش پژوهشي: رساله و پايان نامه تحصيلي، تهران، پارسا.

لازم به يادآوري است تمام آنچه در بخش رسم‌الخط بيان شده است، برگرفته از كتاب فرهنگستان زبان و ادب فارسي (1382) مي باشد به جز آنهايي كه ارجاع مجزا داده شده است.

تمام مباحث مربوط به نشانه‌گذاري‌ها از دو كتاب «زبان و نگارش فارسي» تأليف دكتور حسن احمدي گيوي و همكاران و كتاب «آيين نگارش و ويرايش» اثر دكتور غلامحسين غلامحسين زاده از انتشارات «سمت» گرفته شده است.